

سرمقاله

جنجال های انتخاباتی

محمد رضا هویدا

در توافق نامه ای میان اشرف غنی و عبد الله که دولت وحدت ملی بر اساس آن به وجود آمد در مورد اصلاحات انتخاباتی چنین آمده است: «به منظور حصول اطمینان از اینکه انتخابات در آینده افغانستان از اعتبار کامل برخوردار است، نظام انتخاباتی افغانستان (قوانین و نهادهای) به تغییرات بنیادی نیاز دارد. رئیس جمهور با در نظر گرفتن ماده ۱ چارچوب سیاسی بلافاصله پس از تأسیس حکومت وحدت ملی، کمیسیون خاصی را با هدف اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان طی یک فرمان ایجاد می کند. اعضای کمیسیون خاص با توافق رئیس جمهور و رئیس اجرایی تعیین میگردند. کمیسیون خاص در مورد پیشرفت کارها به رئیس اجرایی گزارش داده بوده و کابینه پیشنهادات این کمیسیون را بررسی نموده و اقدامات لازم را برای تطبیق آن روی دست میگیرد. لازم به ذکر است که تطبیق اصلاحات انتخاباتی باید قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۱۳۲ صورت گیرد.»

بر اساس توافق این توافق نامه، رئیس جمهور در آغاز سال روان خوشحالی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را تشکیل داد. این کمیسیون در ماه سنبله سال روان خوشحالی بسته پیشنهادهای خود را به دولت افغانستان تسلیم کرد. ابطال تمام کارت های رای دهنی که پیش از این توزیع شده است، تغییر سیستم رای دهنی از رای واحد غیر قابل انتقال به سیستم موازی، ایجاد کمیته های به نام شفافیت برای رسیدگی به تخلفات کلان انتخاباتی و شکایت ها علیه کمیسیون های برگزار کننده انتخابات و شرایط تازه برای عضویت در کمیسیون های انتخاباتی، از موارد عمده این پیشنهادهای بودند. حدود یک هفته بعد، اعضای کابینه افغانستان بسته پیشنهادهای کمیسیون ویژه اصلاح نظام انتخاباتی را مورد تأیید قرار داد، اما در برخی از موارد از این کمیسیون خواسته تا زمینه های اجرایی شدن طرح هایش را نیز جستجو کند.

اما عکس العمل کمیسیون مستقل انتخابات در مورد بسته پیشنهادهای کمیسیون اصلاحات انتخاباتی منفی بود. رئیس کمیسیون مستقل انتخاباتی گفت: می خواهم اعلام کنم که کمیسیون مستقل انتخابات به عنوان نهاد برگزار کننده انتخابات های کشور از دولت می خواهد تا انتخابات را از بازی های سیاسی دور نگه دارد و پیش از این باعث تأخیر انتخابات پارلمانی نگردد. طوری که می دانیم اعلام زمان برگزاری انتخابات از صلاحیت های قانونی کمیسیون مستقل انتخابات است. بنا زمانی که کمیسیون اعلام می کند، کمیسیون را در برگزاری انتخابات کمک کرده و از اظهارات غیرمسئولانه گروه ها و افراد جدا جلوگیری کنند.

در چنین حالی بود که مسئله انتخابات واقع در یک بازی سرگرم کننده گرفتار شد. فرمان تقنینی ریاست جمهوری در مورد انتخابات از سوی ولسی جرگه رد شد. توزیع تذکره الکترونیکی با اعتراضات مختلف مواجه شد و به بهانه های واهی متوقف شد. گفته های مختلفی در مورد زمان برگزاری و چگونگی انتخابات اظهار شد.

اما با وجود همه اینها حکومت وحدت ملی خود را علاقمند به برگزاری انتخابات در سال آینده خوشحالی نشان می دهد. مقامات عالی رتبه دولتی در این اواخر همواره از برگزاری قطعی انتخابات در سال آینده سخن گفته اند. ولسی اعضا و رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، موضع گیری های داغ و تندی در مقابل تصمیم حکومت داشته است.

دولت وحدت ملی از آغاز تا کنون با چالش های متفاوتی روبرو بوده است. این مورد نیز در این دولت بی سابقه نیست. دولت مردان وحدت ملی اگر نتوانند با چنین چالش هایی مقابله کنند، اصل دولت وحدت ملی زیر سؤال رفته و زمینه برای مسایل شدیدتر و جدی تر بعدی مهیا می شود. اعتراضاتی که رئیس کمیسیون مستقل انتخابات بدان توصل می جوید، بیهوده نوعی اصل دولت وحدت ملی را زیر سؤال می برد.

کمیسیون مستقل انتخابات، اما چنجالی ترین انتخابات افغانستان را مدیریت کرد، و به خاطر مدیریت همین کمیسیون بود که دولت وحدت ملی به وجود آمد. دست اندرکاران این کمیسیون با مدیریت انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، کشور را به پرنگاه جنگ و اختلافات شدید نزدیک کردند.

بهتر است دولت افغانستان و مسئولان مربوط به انتخابات با فایق آمدن بر مسایل مختلف انتخابات، زمینه انتخابات شفاف و عادلانه را فراهم کنند.

در سده بیست و یکم منابع طبیعی نقش مهم در توسعه پایدار جوامع داشته است. بسیاری از اقلام منابع طبیعی به خاطر اهمیت آن در توسعه پایدار و رشد اقتصادی از جمله کالای استراتژیک محسوب می شود. در حوزه آکادمیک و سیاست عملی بحث های تحت عنوان امنیت انرژی، ژئوپلیتیک انرژی، دیپلماسی انرژی و ... مطرح شده اند. با وجود اهمیت روزافزون منابع طبیعی در جهان و کشور های منطقه، اما، معادن و منابع طبیعی از مسائلی کم اهمیت در افغانستان به شمار می رود. افغانستان برای سال های متمادی به خاطر بی ثباتی و منازعات خشونت آمیز قادر به بهره برداری از منابع طبیعی خود نبوده است و در مواردی کشور های بیرونی با استفاده از گروه های دهشت افکن و تروریست برای دست یابی به منابع طبیعی افغانستان استفاده نموده است. در دوره جدید، جامعه جهانی و حکومت افغانستان در استخراج معادن و استفاده از آن در رشد اقتصادی و بهبود زندگی عموماً غافل بوده است. اکنون، گزارش ها می رساند که گروه های شورشی همانند گروه طالبان کنترل بیشتر بر معادن و منابع طبیعی کشور دارد و مصارف خود را با استخراج معادن به دست می آورد. دیدبان شفافیت افغانستان در تازه ترین گزارش خود آورده است که معادن افغانستان نسبت به ده سال گذشته در بدترین شرایط ممکن قرار دارد. این نهاد در گزارش خود آورده است که فقدان سرمایه گذاری مانع فراروی سکتور معادن افغانستان نیست بلکه بزرگترین تهدید فراروی سکتور معادن فقدان حکومت داری و برنامه ریزی است. گزارش دیدبان شفافیت از جهت های مختلف قابل تأمل است. در این نوشتار تلاش می کنم با توجه به گزارش دیدبان شفافیت افغانستان سکتور معادن افغانستان را به بحث و بررسی بگیرم.

از زمان روی کار آمدن حکومت وحدت ملی اقتصاد کشور با رکود مواجه شد. سرمایه از کشور خارج شد. کارخانه جات بسته شد. پس از گذشت قریب به یکسال حکومت وحدت ملی اظهار داشت که در

سهم شورشیان و حکومت در معادن افغانستان

رحیم حمیدی



صورت مشخص، اشرف غنی روی قرارداد های وزارت دفاع و وزارت داخله کشور تمرکز کرد اما وزارت قرارداد های کلان وزارت معادن افغانستان از چشم او به دور ماند. اگر فساد های کلان در قراردادی های وزارت دفاع و داخله کشور در بیش از یک دهه گذشته یک امر رایج بود. فساد در قراردادی های وزارت معدن اما کمتر از وزارت دفاع و وزارت داخله نبوده است. در دوره حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان قراردادی های مهم وزارت معدن به افراد بلند پایه حکومتی واگذار شد و این مسئله زمینه فساد و سوء استفاده از معادن کشور را فراهم کرد. دقیق همین مسئله، باعث شد که برنامه های جامعه جهانی و به خصوص ایالات متحده آمریکا در ارتباط با معادن افغانستان ناکام بماند. با این حال، این مسئله هیچ گاه توجه سران حکومت وحدت ملی را به خود جلب نکرد. اکنون اما، براساس گزارش دیدبان شفافیت افغانستان گروه های شورشی همانند گروه طالبان کنترل بیشتر بر معادن افغانستان دارند. از آنجایی که گروه های مختلف شورشی با کشورهای مصارف خود را از منابع طبیعی

تأمین می کند، به نظر می رسد که گزارش دیدبان شفافیت افغانستان تا حدودی یک بخش دیگر قانونی ساختن کنترل افراد مهم گروه بنیادگرا و تروریست جدیدترین تجهیزات و نیازمندی های خود را از منابع طبیعی تأمین می کند. کار داعش الگوی جدید برای دیگر گروه های تروریست و دهشت افکن ملی و بین المللی شد. بعد از گروه داعش گروه های دهشت افکن ملی و بین المللی زبانی تلاش نمود مصارف خود را از مجرای کنترل معادن و مناطق طبیعی تأمین نماید. جدا از این مسئله، گروه های شورشی موجود در افغانستان تا اندازه زیادی وابسته به کشورهای بیرونی است. با توجه به اهمیت منابع طبیعی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور های زبانی از مجرای گروه های شورشی تلاش می ورزد تا به معادن و منابع طبیعی دست رسی پیدا نماید. با توجه به نیازمندی های معادن افغانستان و نیازمندی های بیرونی منابع مالی و نیازمندی های بیرونی طالبان کنترل بیشتر بر معادن افغانستان دارند. از آنجایی که گروه های مختلف شورشی با کشورهای مصارف خود را از منابع طبیعی

حاکمیت قانون

محمد ابراهیمی



حاکمیت قانون مفهومی بسیار مهم است که از آن تعریف دقیق و روشنی رایج نشده است اما برداشتهای بسیاری از آن رایج شده است. این اصل یکی از اصول مهم سیاسی و حقوقی است که بشر از دیر باز در پی تحقق آن بوده است. گاهی از این اصل به مفهوم برابری و مساوات در برابر قانون تعبیر شده و گاهی هم از آن به حکومت قانون در مقایسه با حکومت های دیکتاتوری، مطلقه و پادشاهی استفاده شده است و گاهی آن را به ویژگیهای عمومیت داشتن، استمرار و صریح و شفاف بودن قوانین توصیف نموده اند. اما قدر مشترک تمامی این تعبیرهای گوناگون را می توان در یک نکته خلاصه نمود و آن این که مطابق این اصل:

استفاده خود سرانه و مستبدانه از قدرت در تصمیم گیریهای حکومتی مردود است. بر این اساس حاکمان و سیاستمداران به عنوان حافظان و خادمان قانون محسوب می شود، و خودشان نیز مشمول قانونند.

میزان مشروعیت حکومت آنها به میزان وفاداری آنان به معیارهای قانونی، فرا شخصی و خردمندانه بستگی دارد. [۱]

بنابراین تصمیم گیری و عمل حکومت به شیوه های عقلانی بر مبنای دلایل قانونی را می توان جوهره مفهوم حاکمیت قانون دانست. [۲]

گرچه رویکردهایی که نسبت به اصل حاکمیت قانون اتخاذ شده متنوع و متعدد است اما بطور کلی سه رویکرد سیاسی و حقوقی بسیار مهم درباره حاکمیت قانون را می توان استخراج نمود که هر یک دارای پیش فرضها و مبانی متفاوتی باشند.

رویکرد اول، رویکرد چپ افراطی یا ایدئولوژیک است که بنابر تقسیم بندی زیر بنا و روبنا در ساختار اجتماعی و اقتصادی، حاکمیت قانون منعکس کننده روابط اجتماعی جوامع سرمایه داری و بورژوازی است که مطابق آن، سرمایه داری در صدد گسترش سلطه خود بر بخشهای مختلف جامعه بوده و از این مفهوم برای استثمار و بهره گیری به نفع مقاصد خود سود می جوید. اساساً فرهنگ قانونگرایی برای حفاظت از آزادی اقتصادی این گروه خاص، ترویج می شود و دولت که باید بی طرف باشد به صورت ابزاری در دست گروه خاص در می آید. [۳]

مهمترین اشکال این دیدگاه این است که بر خلاف مدعیان خود مفهومی ایدئولوژیک و جانبدارانه از عدالت و آزادی را معرفی می کند. در حوزه عدالت اجتماعی، استقلال و هویت انسانی را نادیده گرفته و از انسانها چهره های ابزاری ترسیم می کند و در مورد آزادی نیز تنها از مفهوم مثبت آن دفاع نماید. [۴]

اما رویکرد دوم، نسبت به اصل حاکمیت قانون، رویکرد میانی، اثباتی یا حقوقی

قدرت سیاسی است. اما در راستای تأمین هدف حاکمیت قانون در جهت نظم بخشی رفتار مردم دو دسته اصول از مفهوم حاکمیت قانون قابل استخراج است. دسته اول، اصول ذاتی و محوری مفهوم حاکمیت قانون بشمار می روند که عبارتند از «عمومیت قوانین» (Generality of laws)، «اعلام عمومی قوانین» (Promulgation)، «صراحت و شفافیت قوانین، (Clarity and leafty of laws)، «ناظر به آینده بودن قوانین (Prospectiveness)، «قابلیت اجرا و پیروی از قوانین» (Practicability)، استمرار قوانین (Stability of laws). دسته دوم اصول تبعی هستند که برای اعمال اصول ذاتی و اهداف حاکمیت قانون مورد نیاز و الزامی اند. این اصول عبارتند از: استقلال قوه قضائیه، مراعات اصل عدالت طبیعی (Procedural fairness)، Natural Justice)، اختیار کنترل، نظارت و تجدید نظر در آراء و تعمیم (Judicial Review)، حق دسترسی به محاکم صالح (The Right of ACCESS to Competent Courts) [۵]

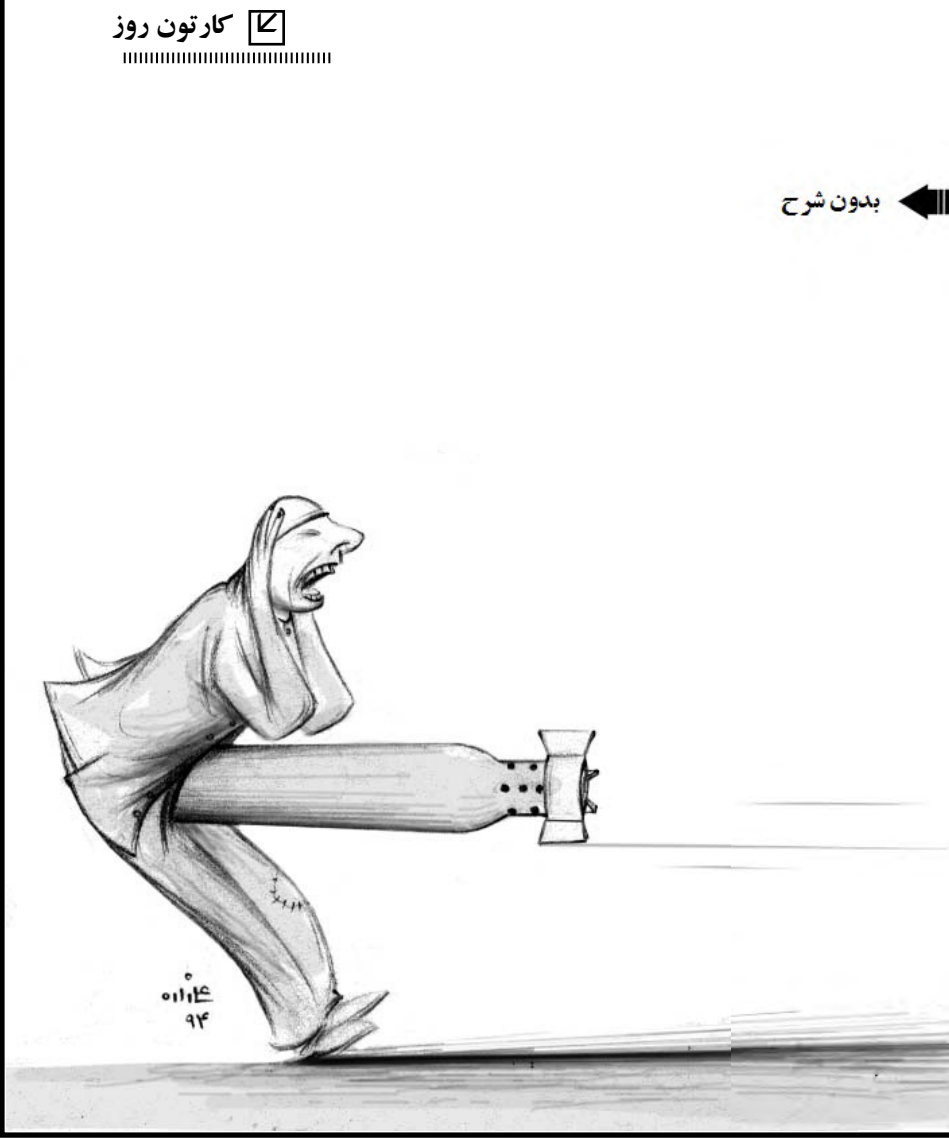
رویکرد سومی که نسبت به حاکمیت قانون مطرح شده از آن با عنوان رویکرد راست سیاسی و اخلاقی تعبیر می شود. تفاوت این رویکرد با رویکرد دوم را باید در اهداف و ارزشهایی که حاکمیت قانون در صدد حمایت از آنهاست جستجو نمود. در حالی که دیدگاه اثباتی، حاکمیت قانون را یک ارزش در عرض سایر ارزشها همانند آزادی، عدالت و برابری و مشارکت سیاسی قرار می دهد، این رویکرد آن را در طول و در خدمت این ارزشها قرار می دهد. چه مشترک این دو رویکرد آن

است که هر دو به اصول برشمرده شده حاکمیت قانون بسور دارند، با این تفاوت که در رویکرد سوم تمامی این اصول و اوصاف در خدمت اصول بنیادین تر قرار دارند. بنابراین مفهوم حاکمیت قانون در این رویکرد دو نتیجه مهم را در پی دارد. یکی این که هر گونه استفاده مستبدانه و خودسرانه از قدرت را منع می نماید و دیگر این که هر نوع قدرت حکومتی را محدود به مواردی می نماید که از طریق قوانین عمومی، مستمر و صریح مطرح می شود. در این رویکرد حاکمیت قانون بیشتر مربوط به وظایف و مسؤولیت های حکومت و نهادهای سیاسی است تا شهروندان چنین مفهومی حکومتها را ملزم می نماید تا تنها بر اساس قانون حکومت نمایند تا هیچ فردی فراتر از قانون دارای اختیارات و امتیازات ویژه ای نشود.

در این مفهوم حاکمیت قانون با جامعه مدنی ارتباط تنگاتنگی پیدا می کند که در آن افراد عاقل و برابر به دنبال خواسته هایشان و براساس مفاهیم خاصی که هر یک از حقیقت و اخلاق دارند، هستند. در این رویکرد حاکمیت قانون بر پیش فرضهای بسیار مهمی چون حفظ حقوق و آزادیهای اساسی، مدیریت عرفی حکومت نه مدیریت بر اساس ترجیحات ایدئولوژیک و بی طرف و مشروط بودن دولت استوار است. در اینجا حاکمیت قانون خود ارزشی اصلی و ذاتی به شمار نمی آید بلکه اصلی است که در خدمت ارزشهای بنیادتری مانند دفاع از حقوق انسانی و آزادیهای اساسی نظیر آزادی عقیده، بیان، مطبوعات و... می باشد.

در این دیدگاه هدف قانون محدود کردن یا سرکوب حقوق و آزادیها نیست بلکه تنظیم و توزیع و حراست قانون آنهاست. [۷] بطور کلی در بحث از مبانی حاکمیت قانون سه ایده آزادی، حقوق بشر و برابری از جایگاه ویژه ای برخوردارند و نقش عمده ای را در تحقق این اصل ایفاء می نمایند.

[۱] Rule of law.  
[۲] . برای توضیح رک: احمد مرکز مالیمی، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشتهای، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵، صص ۲۲-۱۹.  
[۳] . رک: محمد حسین زارعی، حاکمیت قانون در اندیشه های سیاسی و حقوقی، نامه مفید، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۸۰، صص ۵۳-۵۲.  
[۴] . همان، ص ۵۳.  
[۵] . همان، ص ۵۵-۵۳: احمد مرکز مالیمی، پیشین، صص ۷۷-۶۶.  
[۶] . رک: همان، ص ۵۹-۵۵: احمد مرکز مالیمی، پیشین، صص ۶۶-۵۷.  
[۷] . رک: محمد حسین زارعی، پیشین، صص ۶۵-۵۹.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسوول وب سایت: عباس عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

